

## معرفی

# دو نسخه خطی

## تاریخی یمنی\*

نوشته ویلفرد مادلونگ

ترجمه محمد کاظم رحمتی

اغالیان در آفریقا؛ برگ ۹۹ الف: سلسله صفاریان در خراسان؛ برگ ۱۰۵ ب: سلسله دولقیان در جبال؛ برگ ۱۰۹ الف: سلسله علویان طبرستان؛ برگ ۱۳۳ الف-۱۷۸ الف: سلسله آل بویه.

فصل راجع به زیاریان که اکنون در برگ ۱ ب قرار دارد، احتمالاً می‌بایستی به دنبال فصل راجع به آل بویه باشد. اگر این فرض درست باشد، کتاب می‌بایستی دو صفحه را خالی گذاشته باشد، یا این که وی مجلد جدیدی از کتاب را آغاز کرده باشد.<sup>۱</sup> فصل زیاریان در برگ ۸ ب با بایی در مورد سلسله سلجوقی ادامه یافته است. این فصل تا برگ ۱۵۰ ادامه دارد که

\* این مقاله ترجمه‌ای است از:

The Identity of two Yemenite Historical Manuscripts, JNES, 32 (1973) pp:175-186.

۱. میکروفیلمی که در اختیار من قرار دارد، حاوی برگ ۱ الف و برگ ۱۷۸ ب نسخه خطی نمی‌باشد. حدس من این است که این صفحات مطلبی مرتبط با این نسخه در بر نداشته‌اند. توالی فصول در نسخه خطی، به نظر نمی‌رسد همانی باشد که در اصل کتاب بوده‌اند، چرا که در بخش زیاریان مؤلف به شرح حال معزالدوله بویه‌ی اشاره کرده و بیان می‌دارد که شرح حال وی در پی خواهد آمد. اما در نسخه خطی فصل راجع به زیاریان مقدم بر سلسله آل بویه قرار ندارد. در برگ‌هایی که فهرست سلسله‌ها در مقدمه ذکر شده است، سلسله زیاریان و آل بویه ذکر نشده‌اند. توالی سلسله‌های که در این فهرست یاد شده‌اند، دقیقاً با فصول نسخه خطی تطابق ندارند.

نسخه خطی G۶ در کتابخانه آمبروزیانا، در میلان، مشتمل بر تاریخ چند سلسله اسلامی می‌باشد. آغاز و انتهای نسخه اساس افتاده است. احتمالاً برای پنهان نمودن این مسأله، صفحات نسخه را جا به جا کرده‌اند؛ چرا که نسخه حاضر در برگ ۱ ب با عنوان بایی راجع به سلسله زیاریان آغاز می‌شود و فصل پایانی در مورد آل بویه پایان می‌یابد. آغاز آنچه که از نسخه اساس باقی مانده در واقع برگ ۵۱ الف است؛ جایی که متن بی مقدمه و در میانه عبارت با بیان ارزش عمومی تاریخ آغاز می‌شود. مؤلف سپس شرح می‌دهد که قبلاً به نگارش کتاب مفصل تری پرداخته که اثر فعلی صورت خلاصه تری از آن است. او اظهار امیدواری می‌نماید که بتواند اثر مفصل تر را بعدها کامل کند. سپس فهرستی از سلسله‌هایی که می‌بایست در کتاب ذکر شوند، ارائه می‌دهد. بخش انتهایی این برگ افتاده است، و ادامه فهرست که در پشت برگ آمده، افتادگی دارد.

در برگ ۵۲ الف متن بی مقدمه با معرفی فصلی راجع به امویان آغاز می‌شود. از آن جا که گویا اندکی از این مقدمه افتاده است، معقول است که فرض گردد آن عنوان و شروع فصل، همان بخش افتاده در انتهای برگ ۵۱ ب باشد. پس از آن، متن بدون افتادگی با فصول ذیل ادامه یافته است: برگ ۱۷۳ الف: حکومت اموی در اندلس؛ برگ ۹۰ ب: سلسله

بر آمدن سلسله دیگری بر نیفتد. آشکار است که تنها عنوان مناسب اخبار الدول الاسلامیه می باشد، نه اخبار الدول المنقطعه (سلسله های منقرض شده) و عنوان درست برای کتاب، اخبار الدول الاسلامیه است؛ زیرا کتاب مشتمل بر اخبار سلسله های معاصر نیز می باشد.

آیا اخبار الدول الاسلامیه و اخبار الدول المنقطعه دو اثر مختلف هستند؟ بر اساس آنچه گفته شد، این امری محتمل می باشد و محتمل تر آن است که ابن ظافر تنها اثری را جمع به سلسله ها نگاشته باشد که وی قصد نام گذاری اخبار الدول الاسلامیه بر آن داشته و تنها بر بخش هایی از کتاب که به سلسله های منقرض شده پرداخته، عنوان اخبار الدول المنقطعه نهاده باشد.<sup>۶</sup> معمولاً این عنوان آخری (الدول المنقطعه) در اشاره به کل کتاب به کار رفته است.

تا به حال از وجود دو نسخه خطی از اخبار الدول المنقطعه آگاهی داریم. هر دو مشتمل بر فصولی در مورد همدانیان، ساجدیان (یان)، طولونیان، اخشیدیان، فاطمیان و سلسله عباسیان می باشند و ظاهراً بخش دوم از اصل کتاب باشد.<sup>۷</sup> نسخه خطی میلان، احتمالاً بخش نخست و بخش عمده ای از فصل راجع به سلجوقیان را در بر دارد که اساساً متعلق به بخش دوم کتاب

می بایستی جا به جا شده باشد، چرا که مطلب برگ ۴۹ ادامه اش در برگ ۵۰ ب قرار دارد. این فصل ناتمام در برگ ۵۱ الف با بیان محاصره بغداد توسط سلطان محمد بن محمود در سال ۱۱۵۲/ق ۱۱۵۷ م پایان یافته است.

عبارت راجع به سودمندی تاریخ در آغاز کتاب را سخاوی در کتابش اعلان نقل نموده و آن را به اثری که نامش را اخبار الدول الاسلامیه نوشته جمال الدین علی بن ظافر از دی (م ۱۲۱۶/۶۱۳) نامیده، نسبت داده است.<sup>۲</sup> این نسبت با مشکلی روبه رو است، چرا که در فهرست تصانیف علی بن ظافر که در جایی دیگر از همان کتاب (یعنی اعلان) ارائه شده، سخاوی چنین اثری را در بین نوشته های وی یاد نکرده، بلکه نام کتاب را به عنوان تالیفی نوشته پدر علی، ظافر بن حسن یاد کرده است.<sup>۳</sup> با این حال نسخه خطی تاریخی، تنها می تواند کتابی از علی بن ظافر باشد نه پدرش و آن از ذکر نام وی در دو عبارت که با آغاز «قال» نقل شده، مشخص می گردد. یکی از این دو عبارت دقیقاً مؤید این است که مقصود سخاوی، علی بن ظافر است، چرا که عبارت را با عنوان «از کتاب ابن ظافر» نقل نموده است.

فرانتس روزنتال در ترجمه اش از اعلان سخاوی، بیان می دارد که اخبار الدول الاسلامیه که سخاوی ذکر کرده است، در واقع همان کتاب علی بن ظافر، یعنی اخبار الدول المنقطعه می باشد،<sup>۴</sup> چرا که ابن ظافر در هیچ جای دیگری به عنوان مؤلف کتابی با عنوان الدول الاسلامیه یاد نشده است. این فرض کاملاً با محتوای نسخه خطی کتاب و اثر ابوالفداء که در آن وی بر اساس منقولات خودش، عمدتاً مطالب کتاب الدول المنقطعه را تلخیص نموده است، مطابقت دارد؛<sup>۵</sup> گرچه نسخه خطی اثر همچنان ابهاماتی را برای این معرفی در بر دارد.

مؤلف فهرست سلسله هایی را که باید ذکر کند، با بیان یکی از سلسله های معاصرش این گونه پایان می برد: عباسیان، سلجوقیان، اتابکیه (زنگیان)، ارتقیه، بنو عبدالمومن (موحدان) و ناصریه، یعنی ایوبیان، که در دوره حکومت آنها وی به تألیف مشغول بوده است. او بیان می دارد که این سلسله آخری در حقیقت شایسته بود که در آغاز ذکر شود، اما آن را در آخر کتابش آورده، به این امید که آن سلسله تداوم یابد و به واسطه

۲. السخاوی، الاعلان بالتواریخ لمن اهل التاریخ، تصحیح فرانتس روزنتال، بغداد، ۱۹۶۳، ص ۴۶ ترجمه آن در:

F. Rosental; A History of Muslim Historiography, p.229.

۳. السخاوی، الاعلان، ص ۱۸۲؛

Rosental; A History of Muslim Historiography, p.338.

4. Rosental; A History of Muslim Historiography, p.229. n. 2andp, 338.n.8

۵. در مورد این کتاب ر. ک: JNES, 26 (1967); 22

۶. به این نکته باید توجه نمود که عنوان کتاب در نسخه گوتا که مشتمل بر جلد دوم کتاب است، تنها اخبار الدول است و بعدها با خطی متفاوت از نسخه عنوان المنقطعه افزوده شده است. بنگرید به:

W. Pertsch, Die arabische Handschriften der herzoglichen Bibliothek zu Gotha, vol.3 p.186

در نسخه ناتمام بخش دوم Br. Mus، نسخه دیگری که از این اثر شناخته شده، این نام از قلم افتاده است. بنگرید به:

see, C. Rieu, Supplement to the Catalog of the Arabic Manuscript in the British Museum, p.274.

۷. در نسخه خطی موجود در گوتا، فصل راجع به همدانیان در آغاز بخش دوم اثر قرار دارد. بنگرید به: Pertsch, Die arabische Handschriften, vol.3 p.186 در این نسخه خطی، عباسیان، قبل از همدانیان قرار دارد. در حالی که در نسخه خطی بریتیش میوزیوم، این فصل در انتهای نسخه قرار دارد. توالی بعدی فصول با ارجاعات متقابل متن هم خوان است. بنگرید به: پیشین، ص ۱۸۶.

دائرة المعارف، نهاية العرب، چنین کرده است. با این حال ابن ظافر گاهی مطلبی را عرضه می‌دارد که در جایی دیگر بیان نشده است. مثلاً ابن ظافر بدون آن که تاریخ دقیقی ارائه دهد، از دو حمله الحکم اول به گالیسیا، خبر می‌دهد که در پی آن زمرا (سامروا) محاصره و در نهایت فتح شده بود. از این لشکرکشی‌ها ظاهرآ در جایی دیگر یاد نشده باشد. در طی روایت، ابن ظافر به صراحت از الرازی نقلی را بیان می‌دارد که احتمالاً همان احمد بن محمد بن موسی (م ۳۴۴/۹۵۵) باشد و احتمالاً تاریخ وی در مورد اندلس منبع کل خبر باشد.

فصل راجع به اغالبه کوتاه هست و تنها روایت راجع دوره حکام برخی از امرای اغالبی به ذکر تاریخ بر تخت نشستن و مرگشان اکتفا شده است. معمولاً اطلاعات تاریخی بسیار کمی ارائه شده است. با این حال داستان‌های چندی، فی المثل راجع به ابراهیم بن اغلب نقل شده، که در جایی دیگر بیان نشده است. در انتهای فصل از ابن جزار (م ۳۹۵/۵-۱۰۰۴) مطلبی نقل شده است. این که آیا کتابی تاریخی از آثار ابن جزار در دسترس ابن ظافر بوده یا خیر، نامشخص می‌ماند.

فصل راجع به صفاریان با روایت اسارت محمد بن علی بن الیث در سال ۲۹۸/۹۱۱ توسط سپاه سامانی و رسیدن وی به بغداد در حال اسارت پایان می‌یابد. حداقل بخشی از آن مبتنی بر منبعی ناشناس است که اطلاعات با ارزش جدیدی را عرضه می‌دارد. روایت ابن ظافر در مورد آخرین حاکم صفاری، متفاوت از آن چیزی است که ابن اثیر عرضه داشته و ظاهرآ مبتنی بر کتاب (ولاة خراسان) سلامی و اثر مجهول المؤلف تاریخ سیستان بوده است؛ گرچه روایت ابن ظافر عموماً تطابق زیادی با روایت ابن اثیر دارد. بخش راجع به دولتیان علی رغم اختصارش، اطلاعات جدیدی راجع به این سلسله - که در موردش اطلاعات بسیار اندکی وجود دارد و عموماً تنها مطالبی است که طبری و مسعودی ذکر نموده‌اند - در بر دارد. ابن ظافر از منبعش نامی

۸. مقایسه کنید باریو، تکمله، ص ۲۷۴. فصل راجع به سلجوقیان در فصل فاطمیان مورد اشاره قرار گرفته و ذکر شده که از آن سخن خواهد رفت. از میان آثار ابن ظافر، تاریخی در مورد سلجوقیان با عنوان اخبار (تاریخ) الملوك السلجوقیه ذکر شده است. مقایسه کنید با السخاوی، الاعلان، ص ۱۸۲؛ روزنسال، تاریخ تاریخنگاری اسلامی، ص ۳۳۸. فرض ک. سبحیم شاید درست باشد که این تاریخ همان فصل راجع به سلجوقیان در تاریخ عمومی وی است. ر. ک.

see, K. Subheim, Prolegomena zu einer Ausgabe der im Britischen Museum zu London verwahrten Chronik des Seldschuqischen Reiches, p.22.

۹. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ذیل الدول المتقطعه.

می‌باشد،<sup>۸</sup> و جزء مهمی را به بخش‌های باقی مانده از کتاب می‌افزاید که براساس نظر حاجی خلیفه، حدود چهار جلد بوده است.<sup>۹</sup>

در فصول نسخه خطی میلان، همین گونه در بخش‌هایی شناخته شده پیشین این نسخه، ابن ظافر از منابع ادبی به فراوانی سود جسته که اغلب آنها موجود نیستند؛ هر چند اغلب مطالبش از طریق منابع دیگر قابل دسترسی است. عبارات فراوانی نیز در سرتاسر کتابش وجود دارد که مشتمل بر نکات منحصر به فردی می‌باشد. متأسفانه شمول تاریخی حوادث سلسله‌ها بسیار نامنظم است. مؤلف به عمده حوادث دوره حکومت اشاره ندارد و در عوض تنها حادثه‌ای را با جزئیات قابل ملاحظه‌ای شرح می‌دهد. جای تأسف است که مؤلف نتوانسته، روایت مفصل‌تر اثرش را که در مقدمه از آن یاد کرده است، به اتمام برساند. با منابعی که وی در دسترس داشته، کتابش می‌توانست رقیبی برای کتاب الکامل ابن اثیر در اهمیت تاریخ‌نگاری اسلامی گردد و حتی امکان داشت که شانس بقا نیز بیابد. با این حال حتی این بخش‌های روایت مختصر نیز شایسته انتشارند. در این جا می‌توان تنها برخی نکات برجسته‌تر را راجع به موضوعات و منابع مورد استفاده در نسخه میلان عرضه داشت.

فصل راجع به خلافت امویان در سوریه اهمیت چندانی ندارد. ابن ظافر در آغاز بیان می‌دارد، از آن جایی که تاریخ امویان به نحو تفصیلی در آثار بسیاری مورد بحث قرار گرفته است، او تنها خلاصه‌ای در این مورد بیان می‌دارد. دو بار او از القضاعی (محمد بن سلامه م ۴۵۴/۱۰۶۲) به صراحت مطلبی را بیان داشته است. این که تاریخ عمومی منتشر نشده قضاعی منبع عمده وی در مقولات این بخش بوده، نامشخص باقی می‌ماند. تاریخ قضاعی با عنوان الانبیا بانبیا به تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، (بیروت / ۱۴۲۰) به چاپ رسیده است.

فصل مربوط به سلسله اموی در اندلس تا حد زیادی رونویسی مطالبی است که در آثار ابن اثیر و النویری نیز نقل شده‌اند. نویری در تاریخش، راجع به امویان اندلس گاهی از ابن ظافر نقل قول آورده، همان گونه که در دیگر فصول، بخش تاریخی

است. ۱۳ از حوادث بعدی وفات عمادالدوله، شأن رکن الدوله در بین خاندان بویه و انتقاداتی تند از معزالدوله است که ابن ظافر او را مسئول حملات موفقیت آمیز بیزانس به شهرهای مرزی مسلمانان یاد کرده که نتیجه دشمنی وی با حمدانیان و تعلق وی در حمایت از این شهرها بوده است. روایت منتقدانه تر راجع به پسرعمو و دشمن عضدالدوله، عزالدوله و حامیانش، دسایسی که عضدالدوله به واسطه آن عزالدوله را به کناره گیری واداشت و خشم رکن الدوله بر ضد عضدالدوله بواسطه رفتار نادرست با پسرعمویش که در منابع مسکوت مانده، یاد شده است. ابن ظافر مراسمی که در آن خلیفه الطائع تاج بر سر عضدالدوله نهاد و به او لقب تاج الملة را اعطا نمود، به نقل از هلال الصابی نقل کرده است. ۱۴ احتمالاً ابواسحاق الصابی مراسمی را که در آن عضدالدوله به نزد خلیفه تعظیم نموده، شرح نداده باشد. پس از آن ابن ظافر متن کامل سند اعطا شده و خواننده شده در طی آن مراسم را آورده است. سند را عبدالعزیز بن یوسف نگاشته است، اما ظاهراً در مجموعه رسائل وی که در یک نسخه خطی باقی مانده است، موجود نباشد. ۱۵ بخش آخر فصل برخی اطلاعات منحصر به فرد را در بر دارد؛ گرچه خطاهای فاحشی نیز در نقل برخی مطالب آن هست. به نظر می رسد اطلاعات این بخش عمدتاً بر اثری از تاریخ نگاری بغدادی مبتنی بوده باشد. در عبارتی از الهمدانی (محمد بن عبدالملک م ۱۱۲۲/۵) مؤلف «ذیلی بر تاریخ طبری» به عنوان منبع یاد شده است.

فصل راجع به زیاریان تنها مبتنی بر کتاب التاجی می باشد.

۱۰. ر. ک: تلخیص کتاب التاجی تألیف صابی، س. م. خان. ترجمه احمد آرام، راهنمای کتاب، ج ۱۱ (سال ۱۳۴۷) س ۸-۲۸. م.
۱۱. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، تحقیق عباس اقبال، ج ۱، ص ۲۷۰.
۱۲. بنگرید به فصلی که من راجع به حکومت های محلی در شمال ایران در تاریخ ایران کمبریج نگاشته ام. جلد چهارم.
۱۳. مقایسه کنید با 89, (1969), JNES, 28.
۱۴. ابن ظافر به خطا، از وی به نام غرس النعمه نام برده است. غرس النعمه، نام پسر هلال الصابی است که ادامه تاریخ پدر را نگاشته است. روایت ناظر به مراسم را مؤلف از طریق علی بن عبدالعزیز بن حاجب النعمان بیان داشته است که هلال الصابی نیز از وی در رسوم دارالخلافة (تحقیق میخائیل عواد، ص ۸۰) این ماجرا را بیان داشته است. نقل ابن ظافر در برخی جزئیات با آنچه در رسوم آمده است، تفاوت دارد. ظاهراً این روایت را از تاریخ هلال الصابی اخذ کرده باشد.
۱۵. در مورد محتوای مجموعه خطی رسائل عبدالعزیز بن یوسف، مقایسه کنید با:

C. Cahen, Une correspondance buyide inedite, in Studi Orientalistici in onore di Giorgio Levi della Vida, vol. I.

نبرده است. فصل راجع به علویان طبرستان با ذکر حکومت ابوالفضل الثائر (م ۳۵۰/۹۶۱) پایان می یابد و مبتنی بر کتاب التاجی ابواسحاق الصابی می باشد. از آن جایی که این بخش خاص از کتاب التاجی اخیراً متن اصلیش به دست آمده، این فصل اثر ابن ظافر از این حیث اهمیت خود را از دست می دهد. ۱۰

فصل راجع به سامانیان، اطلاعات مهم جدیدی در بر دارد. مثلاً ابن ظافر در ذیل حوادث سال ۲۹۷/۹۰۹-۱۰ از حمله گستره ترکان ماوراءالنهر به خوارزم خیر می دهد که همراه با قتل و به بردگی بردن تجار مسلمان در قلمرو ترکان بوده است. او خیر می دهد که ابن قارن، حاکم دون باوند همراه با احمد بن اسماعیل سامانی در بخارا حصار گشته بود. این ابن قارن احتمالاً همان شهریار بن پادوسپان، اسفهد لپور باشد که ابن اسفندیار به عنوان مخالفی با ناصر اطروش علوی در هنگام فتح طبرستان یاد کرده است. ۱۱ معرفی وی به عنوان ابن قارن اثبات می کند که سلسله قارونیان که در بخش مرکزی و غربی کوه های طبرستان در سال های اولیه اسلامی، حکومت می کرده اند، با فتح و اعدام مازیار در سال ۲۲۴/۸۳۹ از بین نرفته؛ آن گونه که معمولاً تصور می گردد. تداوم این سلسله را همچنین ابن اسفندیار تأیید کرده است. او به امیران حاکم بر لفور دوبار در اواخر قرن پنجم/ یازدهم به عنوان قارونیان اشاره کرده است. ۱۲ ابن ظافر حادثه مهم جانشینی نصر بن احمد در سال ۳۰۱/۹۱۳ را با ذکر جزئیات قابل ملاحظه ای که موجب روشن شدن درگیری های داخلی و رقابت ها در اوایل پادشاهی سامانیان می گردید، عرضه داشته است. منبعش مستقل از سلامی، منبع مشترک ابن اثیر و گردیزی بوده است.

فصل راجع به آل بویه تا زمان عضدالدوله اساساً مبتنی بر کتاب التاجی نوشته ابواسحاق الصابی است، که ابن ظافر کرا را از وی به عنوان منبعش یاد کرده است.

کتاب التاجی اساساً بازتاب دهنده نظرات عضدالدوله است، که الصابی تحت نظارت وی اثرش را نگاشته است. در این جا بر برتری عمادالدوله تأکید شده و از تاج گذاری و اعطای لقب شاهنشاه به وی در سال ۳۲۵/۹۳۶ سخن رفته

بر تاریخ عمومی اسلام تا اوایل قرن هفتم / سیزدهم می باشد. آغاز و انتهای نسخه افتاده است. ظاهراً افتادگی اصلی نسخه بعد از برگ ۲۵۱ و برگ ۲۵۲ باشد. متن در برگ ۲ الف و با ذکر خلافت معاویه آغاز می گردد. در برگ ۱ الف کتاب با دستخطی متفاوت از خط کاتب نسخه به عنوان بخش چهارم تاریخ مسلم الحجی توصیف شده است. همچنین در بالای برگ ۲ الف این گونه یاد شده است: تاریخ مسلم الحجی که در آن یک برگ از آغاز افتاده است. و آن تاریخی دقیق و منحصر به فرد است. در این جا نیز دست خط غیر از دست خط کاتب نسخه می باشد.

وثاقت انتساب کتاب به مسلم الحجی مورد قبول ای. بلوشه<sup>۲۰</sup> و کارل بروکلمان<sup>۲۱</sup> قرار گرفته است، ولی سی. وان آرنلوک بر این مبنا که مؤلف کتاب دوبار از نگارش کتاب خود در سال ۱۲۳۰/۶۲۷ خیر داده، آن را رد کرده است، چراکه مسلم الحجی بر طبق نوشته یاقوت<sup>۲۲</sup> در حدود سال ۱۱۳۶/۵۳۰ می زیسته است. <sup>۲۳</sup> در بخشی از یکی از کتاب های مسلم الحجی که در نسخه خطی برلین شماره ۹۶۶۴ موجود است، الحجی بیان می دارد که در سال ۱۱۴۹/۵۴۴ به نگارش اثرش مشغول

۱۶. تصحیح شده توسط عباس اقبال با عنوان اخبار الدولة السلجوقیه، نوشته صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصرالدین علی الحسینی. درباره مؤلف اخبار الدولة السلجوقیه ر. ک: مقاله آقای حسن انصاری قمی با عنوان اخبار الدولة السلجوقیه، نشریه معارف، دوره هفدهم، شماره ۱ (۱۳۷۹) س ۱۶۷-۱۷۲.

۱۷. مقایسه کنید با ک. سبحیم، همان، ص ۲۲؛ مقدمه محمد اقبال بر اخبار الدولة السلجوقیه؛ قس کاهن، تاریخ نگاری در دوره سلجوقیان در «تاریخ نگاران خاورمیانه»، ویراسته برنارد لوئیس و پ. م. هلت، ص ۶۹ به بعد.

۱۸. قس، کاهن، تاریخ نگاران دوره سلجوقی، ص ۶۹ به بعد.

۱۹. پیشین، ص ۶۷.

20. E. Blochet, Catalogue de la de Manuscits Orientaux de M. Ch. Schefer (Parris, 1890), p.37.

همچنین در اثر بعدیش با عنوان:

Catalogue des manuscrits arabes des nouvelles acquisitions (1884-1924) (Paris, 1925), pp.154f.

بلوشه ابراز تردید نموده که نسخه بخش چهارم کتاب مسلم الحجی باشد، چراکه مشتمل بر تاریخ اسلام از آغاز تا زمان مؤلف است. این که نسخه بخش چهارم یا بخش اعظم کتاب باشد، با ارجاع مؤلف (برگ ۱۵۶ الف) به روایت پیشین در مجلد دوم و سوم، مورد تأیید است.

۲۱. بروکلمان، GAL، تکمله، ج ۱، ص ۵۸۶.

۲۲. یاقوت، معجم البلدان، تحقیق ف. وستفلد، ج ۴، ص ۳۵۲.

23. C. vanArendonk, De Opkomst vanhet Zaidetische Ima- maat in Yemen, p.11.

ذکر مطالب با دوره حکومت قابوس بن وشمگیر در سال ۹۷۹-۸۰/۳۶۹، سالی که وقایع کتاب التاجی بدان خاتمه یافته، پایان می یابد. با این حال اطلاعات جدید و مهمی در بر دارد، مثل مطلبی در مورد حکومت بهستون.

کشف فصل راجع به سلجوقیان به صراحت تردیدی را که نخست ک. سبحیم بیان داشته بود - که آیا تاریخ سلسله سلجوقی محفوظ در نسخه بریتیش میوزیوم با عنوان اخبار الدولة السلجوقیه<sup>۱۶</sup>، در واقع فصلی از کتاب ابن ظافر، اخبار الدول المنقطعه می باشد - بر طرف می کند. <sup>۱۷</sup> این فرض صحیح نیست و همچنان مؤلف اخبار الدولة السلجوقیه، نامشخص باقی می ماند. ظاهراً به خاطر استفاده از منابع مشترک، شباهت های بسیاری بین اخبار الدولة السلجوقیه و فصل سلجوقیان ابن ظافر باشد. ابن ظافر در چند مورد از اثر عمادالدین اصفهانی به عنوان منبعش یاد کرده که به کرات مؤلف اخبار از آن نقل قول آورده است. با این حال روایت ابن ظافر منطبق با اقوال اخبار است، حتی در بخش هایی که از اثر عمادالدین یاد نشده است. کاملاً محتمل است که ابن ظافر از بخش های منبع مهم متأخرتر مورد استفاده اخبار یعنی زبده التواریخ نوشته علی بن ناصرالدین الحسینی، سود جسته باشد؛ <sup>۱۸</sup> هر چند جایی از آن نام نمی برد. ابن ظافر ظاهراً گاهی عبارات را بسیار خلاصه و گاهی اوقات با جزئیات بیش تری از مؤلف اخبار یاد کرده است. ابن ظافر از سوی دیگر به صراحت بیان می دارد که وی به کتاب صدور زمان الفطور و فتور زمان الصدور نوشته وزیر انوشیروان بن خالد دسترسی داشته است. می دانیم که این خاطرات، به فارسی نگاشته شده بودند و توسط فردی به نام عمادالدین اصفهانی به عربی ترجمه شده بود و همو بخش هایی از آن را در کتابش نصره الفتره درج نموده است. <sup>۱۹</sup> مشخص نیست که آیا تمام ترجمه کتاب یا بخشی که اصفهانی در تاریخ خود درج نموده، در دسترس ابن ظافر بوده است یا خیر. ابن ظافر، انوشیروان را به تعصب افراطی متهم نموده و کمتر از عمادالدین در نقل مطلب به وی استناد می کند.

نسخه خطی پاریس (۵۹۸۲) کتابخانه ملی پاریس مشتمل

می باشد. ۲۴ این که مسلم الحجی در نیمه نخست قرن ششم / دوازدهم می زیسته است، مورد تأیید منابع یمنی نیز می باشد. از مسلم الحجی به عنوان رهبری از فرقه مطرفیه، در دوره امام زیدی المتوکل احمد بن سلیمان که در سال ۵۶۶/۱۱۷۰ در گذشته، یاد شده است. ۲۵ جایی دیگر مسلم الحجی بیان داشته او در وقش، مرکز مطرفیه در سال ۵۱۰/۱۱۱۶-۱۷ به تلمذ مشغول بوده است. ۲۶ بنا بر این مسلم الحجی نمی تواند مؤلف کتاب یاد شده باشد.

نسخه همانند با بخش چهارم کتاب روضه الاخبار و کنوز الاسرار و نکت الآثار و مواعظ الاخبار نوشته ابو محمد یوسف بن محمد الحجوری می باشد. در آغاز جلد اول این دائرة المعارف که در نسخه ای خطی در کتابخانه سعیدیه حیدرآباد دکن ۲۷ موجود است، الحجوری محتوای بخش چهارم کتابش را این گونه بیان داشته است: در بخش چهارم، روایت ناظر به خلافت امویان، نسبشان، صفاتشان، مدت حکومتشان، خوارج (شراة) و علویانی که بر ضد آنها شوریده اند، دبیران امویان، قضات، حجاب، عنوان مهر خاتمشان، مخالفت هایی که در بین آنها پدید آمده بود، فرزندان و موالیشان، سرانجام حکومت امویان و قدرتشان بیان خواهد شد. سپس کتاب با بیان خلافت عباسی، صفات آنها، مدت حکومتشان، خوارج و علویان و قمرطیان فریبکار که بر ضد عباسیان شورش نموده اند، ستیزهای رخ داده در بین عباسیان، دبیران آنها، قضات، حجاب، نقش خاتم آنها و کسانی که در نواحی دور دست قلمروشان حکومت کرده اند (مانند یحویه، قاسمیه، سلیمانیه و حمزیه و علویانی که در یمن حکومت کرده اند) و اعرابی که بر ضد حوالبیان و سلسله های صلحیون شوریده اند، بنو زریع، بنو حاکم، بنو مهدی و ... ادامه می یابد. ۲۸ این توصیف منطبق با محتوای نسخه پاریس است، به گونه ای که هیچ شبهه ای در مورد معرفی این بخش به عنوان جزئی از اثر نوشته شده حجوری باقی نمی گذارد. الحجوری که در مورد زندگی اطلاع دیگری در دست نیست، از بخش های موجود کتابش در می یابیم که در نیمه اول قرن هفتم / سیزدهم حیات داشته است. ۲۹ با کشف بخش اول و چهارم مجلدات کتاب روضه الاخبار، اثر حجوری به تمامی، به جز برخی صفحات افتاده و بیاض نسخه خطی، قابل دسترس می گردد. می دانیم بخش دوم در نسخه خطی در برلین موجود است ۳۰ و جلد سوم نیز در نسخه خطی در آمبروزیانا، میلان باقی است. ۳۱ محتویات این مجلدات همچنین با توصیفی که الحجوری در مقدمه بخش اول آورده است، سازگاری دارد. جلد چهارم متأسفانه در بخش هایی است که به تاریخ یمن در زمان مؤلف مربوط است که روایت حجوری در این مورد

به عنوان ماخذی دست اول با ارزش است. نسخه دیگری از جلد چهارم تا به حال شناخته نشده است؛ گرچه غیرممکن نیست که هنوز هم بتوان نسخه دیگری از این اثر را در یمن پیدا کرد. ۳۲

۲۴. شیء من اخبار زیدیه فی الیمن، قس، و. اهلوارت، فهرست نسخ خطی کتابخانه برلین، جلد ۹، ص ۲۰۹. بروکلمان (GAL)، تکمله، ج ۱، ص ۵۸۶) وی احتمال می دهد که متن نسخه خطی برلین برگرفته از تاریخ موجود در پاریس باشد. اما ون آرندوک اشاره نموده که با وجود شباهت های بین دو متن، نسخه پاریس، روایت بسیار خلاصه ای از نسخه برلین را ارائه می دهد. (Opkomst, p.11) بخش های عمده این نسخه را ویلفرد مادلونگ در کتاب سیره الامام احمد بن یحیی الناصر لدین الله (اکسفورد ۱۹۹۰) به چاپ رسانده است. ر. ک: مقاله تاریخ مسلم لجهی نوشته آقای حسن انصاری قمی، معارف، دوره پانزدهم، شماره ۳، اسفند ۱۳۷۷، ص ۱۳۲ و ص ۱۴۵-۱۵۲ م.

۲۵. قس مادلونگ، امام قاسم بن ابراهیم و معتقدات زیدیه، ص ۲۰۳.  
۲۶. صارم الدین ابراهیم بن القاسم بن المویذ بالله، نسانم الاسحار فی طبقات رواة کتب الفقه والآثار المعروفة بطبقات علماء الزیدیه، فتوکب، شماره ۲۹۶، قاهره، دارالکتب، ص ۴۳۵.  
۲۷. میکروفیلمی از نسخه در مؤسسه نسخ عربی در اتحادیه عرب در قاهره موجود است. من از مسئولین اتحادیه به خاطر در اختیار نهادن نسخه ای از آن، متشکرم. در برگ معرفی کتاب، نسخه به عنوان ربع اول کتاب روضه الاخبار و کنوز الاسرار و نکت الآثار و مواعظ الاخبار معرفی شده است. در مقدمه مؤلف همان نام طولانی را به علاوه عبارات و مولف الشاعر و عجائب الاسمار (برگ ۲ الف) بیان نموده است. نام مؤلف در این صفحه نیامده است. به جای آن نام مالک نخست نسخه عمرو بن سلیمان بن هیثم بن عامر بن ابی العشیر المطری (؟) الخولانی آمده است. نسخه از آخر افتادگی دارد. مؤلف در کتاب از خود با عنوان صاحب الکتاب یاد کرده است. در برگ ۷۵ الف در تذکری آمده است که قال یحیی بن یوسف الحجوری. این یحیی احتمالاً پسر مؤلف باشد و نکات خود را به کتابی که پدرش نوشته است، افزوده باشد.  
۲۸. برگ ۴ ب.

۲۹. مقایسه کنید با ای. گریفینی، فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه آمبروزیانا میلان، ROS، شماره ۶ سال ۱۹۱۵، ص ۱۲۸۵؛ بروکلمان، GAL، تکمله، ج ۱، ص ۵۸۷.

۳۰. اهلوارت، Verzeichnis. no.9701.

۳۱. نسخه خطی عربی، N.F.C2، گریفینی، فهرست نسخه های خطی، ص ۱۲۸۵.  
۳۲. در مورد مسلم الحجی همچنین ر. ک: اصلاح المؤلفین الزیدیه،

ص ۱۰۲۸-۱۰۲۹. نسخه پاریس به اشتباه، به وی نسبت داده شده است. اثری از وی با عنوان المثلین به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد تحقیق شده است. ظاهراً جزء اول و دوم تاریخ وی موجود باشد. (همان، ص ۱۰۲۹). در همین کتاب یحیی بن سلیمان الحجوری (متوفی بعد از ۶۳۶) به عنوان مؤلف کنوز الاخبار معرفی شده است. در این کتاب وقایع تازمان امام یحیی بن المحسن (م ۶۳۶) ذکر شده است. در تاریخ الیمن الفکری کتاب به یحیی بن یوسف حجوری نسبت داده شده است. نسخ دیگری از این کتاب در کتابخانه محمد الاکوع در ج ۳، ص ۲۷۹ نیز موجود است، اما در مورد نسخ کتاب توضیحات دیگری ارائه نشده است. (اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۱۱۳۳-۱۱۳۴ م.)